

### متن پرسش

با سلام و خسته نباشید: ببخشید شبهه برایم پیش آمده. ۱. از یک طرف گفته می شود پایان سفر اول عرفان، فنا در ذات است. از طرف دیگر می گویند، کنه ذات خداوند قابل درک و شناخت نیست و انسان نمی تواند به آن معرفت پیدا کند. پس این دو حرف که با هم در تعارض اند؟ یا نکند منظور از فنا در ذات، فنا در اسماء ذاتی خداوند مثل واحد یا احد است نه خود ذات؟ اگر اینگونه است لطفا بگویید اسماء ذاتی خداوند چیست و کدام ها هستند؟ ۲. در یک سخنرانی از یکی از اساتید عرفان شنیدم که گفت کنه ذات خداوند قابل وصف است و قابل شناخت است ولی خود خداوند خودش را می شناسد چون در فنا ذاتی، خدا هست و بس. و انسانی وجود ندارد که بخواهد خدا را بشناسد. این خود خداست که به خودش سمیع است و به خودش علیم است و به خودش بصیر است و... خواستم ببینم آیا واقعا کنه ذات قابل وصف کردن و توصیف کردن است؟ و منظور ایشان از وصف کردن چیست؟ اسماء ذاتی چگونه؟ آیا آن ها قابل توصیف هستند هنگامی که شخص به فنا در آن ها می رسد؟ ممنون

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در فنای ذات، سالک بر اساس وحدت شخصی وجود، به جایی می رسد که وجودی جز وجود خدا در عالم احساس نمی کند و حتی خود را به نور الهی احساس می نماید، در آن حدّ که فاصله بین شاهد و مشهود نیز از بین می رود بلکه با نگاه خدا خود را احساس می نماید. جناب خواجه عبدالله انصاری در منازل آخر «منازل السائرین» با نظر به بحث توحید نکات خوبی را مطرح کرده است. موفق باشید